



۱

رونمایی از پوستر «مرد بازنده»

روز گذشته در آستانه رونمایی از فیلم «مرد بازنده» در خانه جشنواره از پوستر تازه‌ترین ساخته سینمایی محمدحسین مهدویان با طراحی میثم میرزایی رونمایی شد. «مرد بازنده» داستان مردی است به نام احمد خسروی که در گردور زندگی شخصی پرمسأله‌اش، مسئول رسیدگی به پرونده‌ای از آلود می‌شود، پرونده‌ای که روند کشف آن باشک‌ها و نگرانی‌های احمد در می‌آمیزد و زندگی‌اش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جواد عزتی، رعنا آزادی‌پور، بابک کریمی، آناهیتادرگاهی، مهدی زمین‌پرزا و... بازیگران این فیلم هستند.



۲

سیمرغ در منزل چهلم

از امروز چهلمین جشنواره فیلم فجر در سینماهای مردمی در حالی آغاز می‌شود که روز گذشته جشنواره با نمایش فیلم «بیرو» به کارگردانی مرتضی‌علی عباس میرزایی در خانه جشنواره به صورت رسمی افتتاح شد. امسال جشنواره آیین افتتاحیه نداشت و با پخش قرآن، سرود ملی و سرودهای انقلابی و کلیپ به صورت رسمی آغاز شد. در این روز همچنین از پوستر جشنواره فیلم فجر با طراحی محمد اسحاقیان رونمایی شد.

حرف‌های

چهره‌روز



محدوده و انتخاب‌چهره‌روزنامه‌نگار

حالا دیگر سختگیرترین مخالفان حضور بازیکن سابق پرسپولیس در سینما، حضورش را پذیرفته‌اند. مهم نیست گاهی بعضی اظهار نظرهای مغرضانه و غیرحرفه‌ای تمام تلاش ۱۰ ساله او را زیر سؤال می‌برد، مهم این است که پژمان جمشیدی به عنوان بازیگر در سینمای امروز چند ویژگی مهم دارد. فیلم‌های تجاری‌اش فارغ از آنکه آثاری عامه‌پسند باشند یا کم‌دی‌هایی‌سرحال و مفرح، پرمخاطب است و تماشاگر عام دوست دارد او را روی پرده ببیند. سریال «زیر خاکی» (جلیل سامان) به خاطر شخصیت فریبرز باغمیشه و بازی جمشیدی، محبوب و پربیننده بود و تاک شوی «پیشگو» به خاطر او دیده می‌شد، او در قالب مجری هم عملکردی قابل قبول داشت. در کنار این‌ها، حضور در سینمای تجاری باعث نشده جمشیدی از فیلم‌های متفاوت و نقش‌های خاص غافل بماند، تجربه کردن را از یاد نبرده است.

پژمان جمشیدی، کشف دیرننگام سینمای ایران، فوتبالیستی که سال‌ها می‌شد او را در سالن‌های تئاتر و به عنوان تماشاگر پرو و باقرص نمایش‌های روی صحنه دید، در یک دهه اخیر بازیگری پرکار بوده، ستاره‌ای که شهرتش را از مستطیل سبز به قاب تلویزیون و پرده سینما برد، اما حالا پیش از آنکه به عنوان فوتبالیست سابق شهره باشد، به عنوان

بازیگر محبوب است. جمشیدی، چند نقش متفاوت در کارنامه‌اش دارد که متعلق به سینمای کم‌دی و تجاری نیست. حضورش در یکی از نقش‌های مکمل فیلم ستایش شده سرورصحت، یکی از آنهاست. در میان انبوهی بازیگر حرفه‌ای و شخصیت جذاب، جمشیدی در «جهان با من برقص» بازی دلنشین و شیرین دارد. تلاشش در «دو زیست» (پرزو نیک‌نژاد) برای ارائه یک بازی متفاوت، فراتر از اندازه‌های فیلم بود و در «خط

فرضی» (فرنوش صمدی) قابل قبول و پذیرفتنی. پژمان جمشیدی به واسطه شهرتی که از ورزش به سینما آورد، خیلی زود به عنوان بازیگر مطرح شد و این ویژگی، معایب و محاسنی داشت. دشنام‌های بسیاری نثارش شد که به خاطر پول و شهرت بازیگر شده، مخالفان ندیدند که برای شروع بازیگری از تئاتر شروع کرد و حتی در نخستین تجربه‌هایش روی صحنه (بادی که تو را خشک کرد مرا برد) به کارگردانی علی نرگس نژاد مسلط و مستعد به نظر می‌رسید. مخالفانش ندیدند که در نمایش «فرانکشتاین» (ایمان افشاریان) تلاش کرد تا پوسته ظاهری‌اش را بشکند و از پرسونای همیشگی فاصله بگیرد.

جمشیدی، انتقادها را شنید اما کوشید با انتخاب نقش‌های متفاوت و کریم‌های دور از هم، در قالب بازیگر و نه لزوماً یک چهره مشهور و پولساز پذیرفته شود. امسال و در چهلمین جشنواره فیلم فجر او دو فیلم متفاوت در بخش مسابقه دارد. «بی‌مادر» (مرتضی قاطمی) و «علفزار» به کارگردانی کاظم دانشی، هر دو فیلم متعلق به فیلمسازان جوان و کمترشناخته شده است. جمشیدی حضوری متفاوت در «علفزار» دارد

و این بازی می‌تواند برایش نامزدی سیمرغ بلورین را به همراه بیاورد. در گمانه‌زنی‌های پیش از شروع جشنواره، آتهایی که فیلم‌های این دوره را دیده‌اند معتقدند یکی از بازی‌های خوب امسال متعلق به جمشیدی است و او بخت بالایی برای تصاحب سیمرغ بلورین دارد. این اظهار نظرها، نشان می‌دهد که جمشیدی در مسیری که طراحی کرده، موفق بوده است. او بازیگری با عیار بالای حرفه‌ای است، سال گذشته وقتی در نشست خبری، با پرسشی تند و نقدی غیرمنصفانه رویه‌رو شد، همچون بازیگری باهوش و شش‌دانگ ترجیح داد خودش را در موضع پاسخگویی قرار ندهد و با آرامش از ورطه‌ای که مقابلش بود، عبور کند. یک سال بعد، او با دو فیلم به جشنواره چهلم فجر آمده و از بخت‌های دریافت سیمرغ بلورین است، این اگر حرفه‌ای‌گری نیست، چیست؟



نه تروتمند و نه فقیر

فیلم‌کوتاه روز

فریدین انصاری

کارگردان فیلم کوتاه «ماجان»

پروسه ایده و ساخت «ماجان» با همه فیلم‌های قبلی‌من متفاوت بود. در واقع ساخت «ماجان» با موضوعی حدوداً مشخص از طرف تهیه‌کننده به من پیشنهاد شد اما در ایده، داستان و روایت دستم باز بود و سعی کردم همچنان دنیای فیلم‌های قبلی و سلیقه شخصی خودم را حفظ کنم، به همین جهت ایده «ماجان» با همکاری دوست فیلمنامه‌نویسم به صورت کاملاً تخیلی به ذهن من رسید و فیلمنامه‌اش رو نوشتیم. در فرم کار هم سعی کردم سادگی دنیای کودکانه و کاراکتر اصلی را لحاظ کنم. بنابراین با استفاده از پلان‌های ثابت و ایستا اما در عین حال متکی به زبان تصویر و ترکیب‌بندی با میزانشن‌های مضمونی به یک فرم درست نسبت به فیلمنامه برسم.

فکر می‌کنم بیش از اینکه حضور فیلم کوتاه «ماجان» در جشنواره فجر اهمیت داشته باشد این حضور فیلم کوتاه در جشنواره فجر است که اهمیت دارد.



«ماجان» و سایر فیلم‌های کوتاه فجر در واقع نماینده فیلم کوتاه هستند و امیدوارم توجه جشنواره فجر به فیلم کوتاه بیش از شرایط موجود باشد و البته سازوکار درست‌تری در انتخاب فیلم‌های کوتاه در نظر گرفته شود. فیلم کوتاه بیش از بودجه و بیش از جذب سرمایه نیاز به توجه جدی دارد؛ توجه فرهنگی و مدیریتی. توجه به زیرساخت‌ها و ایجاد بستری مناسب جهت آموزش، ساخت و فرهنگسازی پخش (اکران در سینماها و آنلاین)، اکران‌های جشنواره‌ای و پخش تلویزیونی. فیلم کوتاه علاوه بر اینکه



هویتی مستقل و اعتبار هنری بالایی دارد نیاز آینده سینمای هر کشوری است. پول و سرمایه وارد هر جریان‌ی‌نشود با خود فساد می‌آورد. قاطعانه می‌گویم که فیلم کوتاه نباید تروتمند باشد اما فقیر هم نباید باشد. فیلم کوتاه ثروت، خلاقیت و سرمایه اصلی‌اش را از محدودیت‌ها می‌گیرد، از آموزش صحیح و فیلمنامه قوی. بنابراین موانع و مشکلاتش هم از نبود همین‌هاست. لطفاً این موانع و مشکلات را حل کنید یا حل کنیم.

«علفزار» به

موضوع حساس تجاوز

می‌پردازد آن هم تجاوز

گروهی که به اعضای

یک خانواده آسیب

می‌رساند، موضوعی که حرف زدن درباره

آن در جامعه ما به نوعی تابوشناخته

می‌شود، چگونه به فیلمنامه این فیلم

رسیدید؟

«علفزار» ابتدا از خبری درباره خانواده‌ای

در کربلر کرد. در ادامه سعی کردم در

موقعیت‌های مختلف درباره پرونده‌های

مربوط به تجاوزهای گروهی و بلایی که

بر سر یک خانواده می‌آید، تحقیق کنم،

حتی با سوژه‌های برخی از این پرونده‌ها

روبه‌رو شدم و مستندهایی نیز ساختم.

به همین ترتیب سال‌هایی از زندگی من

به بررسی و مطالعه پرونده‌های مشابه

در این حوزه سپری شد. آرام آرام به

نوشتن فیلمنامه «علفزار» پرداختم.

و بیش از ۱۰ بار آن را با بازنویسی کردم

چرا که قوه قضائیه و وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی در آن مقطع زمانی نقطه

نظراتی داشتند که باعث شد دریافت

مجوز ساخت این فیلم، یک سال به

طول انجامد.

شروع فیلم با تلنگری همراه است و

مخاطب را مجبور به دیدن آن می‌کند،

این آغاز چگونه به ذهن‌تان رسید؟

این خصلت فیلم جنایی است. این ژانر

از سینما مخاطب را غافلگیر می‌کند،

باعث ترس او می‌شود و حس تعلیق و

هیجان را به مخاطب وارد می‌کند. با این

شروع می‌خواستیم فیلمی هیجان‌انگیز

داشته باشیم که آدم‌ها را به وجد آورد.

البته برای بودن این سکانس در فیلم

بسیار تلاش کردم و به دلیل حجم

خشونت و بچه‌کشی‌ای که در ابتدا با

آن مواجه می‌شویم، اتفاق نظرهایی

برای حذف سکانس اولیه فیلم وجود

داشت که خوشبختانه رخ نداد. فیلم

جنایی از یک جنایت یعنی قتل، تجاوز،

گروگانگیری و... می‌آید که خواه یا نخواه

تلخ هستند. متأسفانه در کشور ما این

نگاه وجود دارد که نباید فیلم تلخی

ساخته شود اما باید گفت در سینما

ژانرهایی مانند ژانر جنایی وجود دارند

که فیلم تلخی از دل آن بیرون می‌آید و

به شخصه به این ژانر علاقه‌مند هستم.

باید سطح فکری‌مان را بالا ببریم تا

ابعاد آموزشی فیلم‌های جنایی مثل

بعد جامعه‌شناسی، روانشناسی و... را

گرفتن مجوز برای ساخت فیلمی

که درباره تجاوز، مسائل جنسی و...

صحبت می‌کند، بسیار سخت است اما

در گفت‌وگو خیلی چیزها حل شد. وقتی

ابعاد کارمان را برای مدیران مطرح

کردیم، همراهی بسیاری صورت گرفت.

همچنین مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد

فکر می‌کنید «علفزار» با تمام

تلخی‌هایی که دارد، می‌تواند بر مخاطب

تأثیر مثبتی داشته باشد؟

برای من بسیار مهم است که ابعاد

آموزشی را در فیلمم لحاظ کنم.

هنگام نگارش فیلمنامه نیز با خود فکر

می‌کردم اگر من باعث شوم که یک نفر

هم با دیدن این فیلم، از فکر تجاوز و

جنایتی که در سر می‌پرورانند، بیرون

آید، کافی است. به نظر من «علفزار»

می‌تواند این تأثیر را روی افراد جامعه

بگذارد.

فیلمنامه «علفزار» بسیار تلخ است

اما در کنار تلخی‌هایش به روشنایی

می‌رسیم. جاهایی از فیلم نیز روابط

انسانی مانند رابطه مادر با پسرانش را

که جرم سنگینی هم داشتند، به نمایش

درآوردیم که به نظر من تلاش او برای

نجات فرزندان، اوج سینماست؛ تلاشی

در دل تلخی.

به چه دلیل نام فیلم را «علفزار»

گذاشته‌اید؟

«علفزار» را می‌توان به دو حالت معنا

کرد؛ علف‌های هرزی که میان چمن‌های

سبز می‌رویند و آدم‌هایی که می‌توانند

میان این علفزار، سبز بمانند. برای من

امیرحسین اشرافی آدمی است که قرار

است عدالت را در میان علفزار اجرا کند.

این‌گونه آدم‌ها در تاریخ کم می‌شوند و

درباره‌شان حرفی نمی‌زنند.

شروع فیلم، ما را با دنیایی روبه‌رو

می‌کند که به اصطلاح آن را پایین شهر

می‌خوانیم. منطقه‌ای با آدم‌های متفاوت،

کریم و طراحی لباسی که مختص به

خودشان است. چرا برای ساخت

«علفزار» این منطقه و این کریم و طراحی

صحنه را در نظر گرفتید؟

واقعیت این است که جرم و جنایت

در قشر متوسط رو به پایین جامعه،

چه از نظر فرهنگی و چه از نظر مالی،

بیشتر رخ می‌دهد. طی مراحل پژوهشی

فیلم، وقتی ابعاد جرم‌شناسی را بررسی

می‌کردیم، اختلاف طبقاتی را عامل این

مسأله یافتیم که آمار کیفی و دزدی

گویای آن است.

از طرف دیگر بازیگری که بخواهد در طول

روز به چند پرونده مختلف رسیدگی کند

در تهران وجود ندارد. چند سالی است

که در تهران پرونده‌ها تخصصی شده‌اند

و یک بازپرس نمی‌تواند چند پرونده

مختلف را حل کند به همین دلیل ما قصه

را به خارج از تهران بردیم. کاراکتر شهردار

حاضر در «علفزار» نیز باعث شد که ما

نخواهیم نام شهر را در فیلم بیاوریم تا در

نهایت کسی معترض نشود.

بازپرس فیلم «علفزار» نقش اصلی

داستان است و باید برای به‌وجود آوردن

این کاراکتر تلاش بسیار کرد، برای به

نمایش درآوردن واقعی بازپرس در فیلم

اینکه «علفزار» فیلم پر بازیگری بود اما

توانسته‌اید تصویر یک بازپرس را به

درستی به نمایش درآوردید؟

احساس می‌کنم که بازپرس «علفزار»

بسیار به واقعیت نزدیک است اما مخاطب

باید درباره درست یا غلط بودن آن نظر

دهد. برای ساخت این فیلم سال‌ها تحقیق

کردم و در مرحله پیش‌تولید نیز همه

بازیگران و عوامل را به دادسرا و محیط‌های

عنوان بهترین بازیگر نقش اول مرد و «سعید پورصمیمی» به خاطر فیلم «تحفه‌ها» عنوان بهترین بازیگر دوم

مرد را از آن خود کردند.

ضمن تقدیر از فیلم‌های «پرنده کوچک خوشبختی»، «ترنگ»، «وکیل اول» و «سرزمین آرزوها» هیچ یک از

این آثار برگزیده موفق به دریافت لوح زرین بهترین فیلمنامه از سوی هیأت داوران نشدند.

همچنین فرهاد فخرالدینی موفق شد تا برای دومین سال پیاپی لوح

زرین بهترین موسیقی متن را برای فیلم «پرستار شب» از آن خود کند.

فیلم «پرنده کوچک خوشبختی» ساخته «پوران درخشنده» توانست به طور مشترک با فیلم «کانی مانگا» ساخته «سیف‌الله داد» جایزه ویژه

هیأت داوران را از آن خود کند.

در این دوره ۲۳۸ فیلم و آئونس در ۱۱ روز به نمایش درآمد و در مجموع تا روز نهم جشنواره، ۲۳۳ هزار و ۳۰۴ نفر تماشاگر از آثار دیدن کردند.

کاظم دانشی در گفت‌وگو با «ایران»:

انتخاب «علفزار» در جشنواره فیلم فجر شجاعت می‌خواست

فروغ کشتیل

خبرنگار

کاظم دانشی کارگردان و فیلمنامه‌نویسی است که پیش‌تر با ساخت آثار کوتاه و مستند شناخته می‌شد که از جمله آنها می‌توان به فیلم‌های کوتاه «راحانا»، «پرتقال»، «بادکنک‌های رنگی»، «مثل توو محدوده یک درجه» اشاره کرد. او در اولین تجربه کارگردانی فیلم بلندش، فیلم سینمایی «علفزار» به‌توبه‌کنندگی بهرام رادان را برای حضور در چهلمین جشنواره فیلم فجر دارد. فیلم سینمایی «علفزار» با موضوعی حساس و در ژانر جنایی برای حضور در این رویداد ملی آماده شده است. به همین مناسبت با کاظم دانشی گفت‌وگویی درباره فیلم و موضوع آن داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

فیلم برده‌ایم تا بتوانیم کاراکترها را به خوبی به نمایش درآوریم.

چگونه برای کنار هم قرار دادن بازیگران

پسبانی که نقش شبینم را بازی می‌کند،

جای زخم‌هایی گوشه لبش یا روی

انگشتانش دارد؟

پیش از ساخت فیلم ما همه بازیگران

درباره شب حادثه و اتفاق‌هایی که در

باغ می‌افتد، صحبت کردیم. با توجه به

با فیلم بسیار خوب بود و روزهای خوبی

را با یکدیگر سپری کردیم.

از میان کاراکترهای فیلم چرا تنها ستاره

پسبانی که نقش شبینم را بازی می‌کند،

جای زخم‌هایی گوشه لبش یا روی

انگشتانش دارد؟

پیش از ساخت فیلم ما همه بازیگران

درباره شب حادثه و اتفاق‌هایی که در

باغ می‌افتد، صحبت کردیم. با توجه به



بازیگران حاضر در فیلم، فکر می‌کردم و از انتخاب آنها اصلاً پشیمان نیستم. با اینکه «علفزار» فیلم پر بازیگری بود اما

انتخاب پژمان جمشیدی برای بازی

در نقش بازپرس، ریسک بود اما بعد

از صحبت با او متوجه شدم که بازیگر

باهوش و باانگیزه‌ای است و تمام توانش

را برای فیلم می‌گذارد که همین اتفاق

هم افتاد. به‌طور کلی همکاری بازیگران



پرنده کوچک خوشبختی

گاه‌شمار جشنواره

ششمین دوره

بهمن ۱۳۶۶

باز هم ایام دهه فجر و جشن‌های سالگرد پیروزی انقلاب و جشنواره فیلم فجر به جزه لینک روزهای جشن پیروزی انقلاب بدل شده بود، آن هم در بهمن ماه ۱۳۶۶، آخرین بهمن ماه دوره هشت ساله جنگ تحمیلی عراق علیه ایران.

جشنواره فیلم فجر با ترکیبی از اعضای هیأت داوران کار خود را در دوره ششم

آغاز می‌کرد که برخی از این افراد دیگر به پای ثابت هیأت داوران فیلم فجر تبدیل شده بودند! افرادی چون: سید محمد بهشتی، محمد خزاعی، کریم زرگر، محمدباقر کریمیان و محمدعلی نجفی.

در این دوره ۲۳۸ فیلم به نمایش درآمد اما هیأت داوران هیچ یک از آثار را حائز شرایط و امتیاز کافی برای دریافت عنوان بهترین فیلم نداشتند اما در مقابل، لوح زرین بهترین کارگردانی را به «کیانوش عباری»